

مسئولیت اخلاقی منتظر در عصر غیبت: تحلیلی تطبیقی با نظریه کنش درست در اخلاق کانتی

روح الله شاکری زواردهی^۱، نیره امانی^۲

چکیده

اندیشه مهدویت در مکتب تشیع، صرفاً به عنوان باوری دینی درباره آینده‌ای وعده داده شده مطرح نیست، بلکه در عین حال، چارچوبی اخلاقی را برای زندگی در دوران غیبت نیز فراهم می‌سازد. منتظر واقعی کسی است که با پایبندی به مسئولیت‌های اخلاقی همچون عدالت‌طلبی، اصلاح‌گری و خودسازی، در فراهم کردن زمینه‌های ظهور منجی جهانی گام برمی‌دارد. در این نوشتار، با رویکردی تطبیقی به نظریه «کنش درست در اخلاق کانتی»، تلاش می‌شود نشان داده شود که وظایف اخلاقی منتظران در عصر غیبت، علاوه بر پشتوانه‌های دینی، قابلیت تبیین در چارچوب عقلانیت عملی را داراست. نظریه «اخلاقی کانت»، بر مفاهیمی چون تکلیف، اراده نیک و اصل جهان‌شمولی تأکید می‌ورزد؛ اصولی که در بسیاری از ابعاد با مسئولیت‌های اخلاقی منتظران همسو است. این مقاله می‌کوشد از خلال این تطبیق، نه تنها امکان گفت‌وگوی میان عقلانیت اخلاقی مدرن و اخلاق مهدوی را ترسیم کند، بلکه نشان دهد این گفت‌وگو، چگونه می‌تواند به بازتعریف کارآمدی اخلاق در عصر غیبت، تقویت مسئولیت‌پذیری مؤمنانه و ارائه الگویی قابل دفاع برای اخلاق انتظار منجر شود. بدین سان دستاورد اصلی پژوهش، ارائه چارچوبی نظری برای پیوند میان تکلیف‌محوری کانتی و اخلاق تحول‌گرای مهدوی است.

واژگان کلیدی: انتظار مهدوی، اخلاق کانتی، کنش درست، مسئولیت اخلاقی و وظیفه‌گرایی.

shaker.r@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه شیعه‌شناسی (دانشکده‌گان فارابی) دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری گروه فلسفه اخلاق دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

nayereamani313@gmail.com

۱. مقدمه

در سنت شیعی، اندیشه مهدویت صرفاً به آینده‌ای موعود و تحقق عدالت جهانی ناظر نیست، بلکه به وضعیت اخلاقی انسان در دوران غیبت نیز ناظر است. انتظار، نه صرفاً حالتی منفعلانه، بلکه فرایندی پویا و اخلاقی است که مستلزم تعهد فردی و اجتماعی است. منتظر واقعی از منظر شیعه، انسانی مسئول، کنش‌گر و اصلاح‌طلب است که به منظور عدالت‌گستری و آمادگی برای ظهور منجی، به خودسازی و اصلاح جامعه می‌پردازد (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۴۵).

این نوع نگرش به انتظار، حاوی نظامی از وظایف اخلاقی است که می‌توان آن را در ذیل مفاهیم فلسفه اخلاق تحلیل کرد. یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که قابلیت تطبیق با این ساختار اخلاقی را دارد، نظریه «کنش درست» در اخلاق وظیفه‌گرایی ایمانوئل کانت است. کانت در نظریه اخلاقی خود، بر اصولی همچون «تکلیف»، «اراده نیک» و «اصل جهان‌شمولی» تأکید می‌ورزد و باور دارد که کنش اخلاقی، زمانی ارزشمند است که از سرِ وظیفه و براساس عقل عملی انجام شود، نه بر پایه تمایلات یا پیامدها (Kant, 1997: p. 10).

هرچند میان اخلاق دینی شیعی و اخلاق عقل‌گرایی کانتی تفاوت‌های مبنایی وجود دارد؛ اما در بسیاری از موارد، همپوشانی‌هایی میان این دو رویکرد دیده می‌شود؛ از جمله تأکید بر تکلیف، کرامت انسانی و خودآیینی فاعل اخلاقی. این مقاله در پی آن است که از خلال تحلیل تطبیقی، نشان دهد که مسئولیت‌های اخلاقی منتظر در عصر غیبت، صرف‌نظر از پشتوانه‌های وحیانی، قابلیت تفسیر در چارچوب عقلانیت عملی کانتی را نیز دارند.

بر این اساس، ابتدا مؤلفه‌های اخلاق انتظار در اندیشه مهدوی بررسی شده است و سپس نظریه اخلاقی کانت و مؤلفه‌های آن معرفی می‌گردد. در ادامه، به تحلیل تطبیقی این دو رویکرد پرداخته خواهد شد تا مشخص شود میان آن‌ها چه همپوشانی‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد و چگونه می‌توان زمینه‌ای برای گفت‌وگو میان اخلاق دینی و عقلانی فراهم ساخت.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره نسبت میان آموزه‌های دینی، به‌ویژه مفهوم «انتظار» در مهدویت شیعی و نظریه‌های فلسفی اخلاق، هرچند در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی یافته است؛ اما همچنان با

خلاهای بنیادینی در حوزه تحلیل تطبیقی مواجه است. مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که آثار پیشین عمدتاً در دو جریان کلی جای می‌گیرند:

- ✓ پژوهش‌هایی که بر تبیین مفهومی اخلاق مهدوی تمرکز داشته‌اند؛
- ✓ آثاری که به بررسی امکان گفت‌وگو میان اخلاق اسلامی و نظریه‌های مدرن اخلاقی پرداخته‌اند.

در جریان نخست، علوی، کریمی‌نیا و انصاری مقدم در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر مسئله انتظار و وظایف منتظران در عصر غیبت»، کوشیده‌اند مؤلفه‌های اخلاقی انتظار را از متن منابع اسلامی استخراج و نقش آن را در اخلاق فردی و اجتماعی ترسیم کنند. آنان با تأکید بر لزوم «فعال بودن منتظران»، مفاهیمی همچون مسئولیت، تکلیف و فاعلیت اخلاقی را از منظر فقهی-کلامی تحلیل کرده‌اند (علوی و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۰). نوآوری اثر مذکور، طرح ساختار مسئولیت اخلاقی در دوران غیبت است؛ با این حال، از حیث فلسفه اخلاق، به‌ویژه در مقایسه با نظریه‌های وظیفه‌گرایانه‌ای همچون اخلاق کانت، هنوز جای پژوهش عمیق باقی است. در همین زمینه، احمد واعظی، در کتاب «جان‌رالز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی»، با دسته‌بندی دیدگاه‌های اخلاقی در سنت اسلامی و مدرن، مقایسه‌ای مقدماتی میان مبانی عقل عملی در اخلاق دینی و اخلاق فلسفی ارائه کرده است. وی گرچه مستقیماً وارد بحث مهدویت نمی‌شود، اما نسبت میان عقل عملی و اراده را در اخلاق اسلامی بر پایه نوعی هدایت الهی و وحیانی دانسته و آن را نقطه افتراق از خودآیینی کانتی معرفی می‌کند (واعظی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۲). ابراهیم شفیعی سروستانی نیز در مجموعه هفت‌جلدی «فرهنگ مهدویت و انتظار» (۱۳۹۷) و به‌ویژه در جلد «انتظار، بایدها و نبایدها»، ضمن تبیین وظایف منتظران در دوران غیبت، به نقش فرهنگی و اجتماعی انتظار پرداخته و سیر تحول رویکرد مهدوی پیش و پس از انقلاب اسلامی را تحلیل کرده است. او با استناد به اندیشه‌های امام خمینی، انتظار را صرفاً امری فردی و آینده‌نگر دانسته، بلکه آن را راهبردی برای اصلاح وضع موجود و زمینه‌سازی ظهور معرفی می‌کند.

در عرصه بین‌المللی، اثر کلاسیک عبدالعزیز سچدینا، با عنوان Islamic Messianism: The Idea of Mahdi in Twelver Shi'ism (1981) از مهم‌ترین آثار در تبیین عقلانی آموزه مهدویت است. سچدینا با تحلیل عقلی-تاریخی از مفهوم مهدی و غیبت کبری، مفاهیمی



چون مسئولیت، انتظار و کنش اجتماعی را در چارچوبی عقل مدار تفسیر و بدین سان زمینه را برای مقایسه مهدویت با فلسفه اخلاق مدرن فراهم کرده است. (Sachedina, 1981: p. 93)

در حوزه فلسفه اخلاق تطبیقی نیز، مقاله پیتر دیویس با عنوان "Virtue Ethics and the Divine Command Theory: Is There a Conflict?" امکان گفت‌وگو میان نظریه فرمان الاهی و اخلاق فضیلت را بررسی می‌کند. اهمیت این اثر در آن است که بستر گفت‌وگوی بین‌فرهنگی میان اخلاق دینی و نظریات فلسفی را فراهم می‌سازد و هرچند بر سنت مسیحی متمرکز است؛ چارچوب، آن برای مطالعه اخلاق مهدوی در بستر تطبیقی قابلیت تعمیم دارد (Davies, 2009: p. 374).

با وجود این تلاش‌ها، در هیچ‌یک از آثار مذکور، تحلیل تطبیقی ساختارهای اخلاقی انتظار با اصول اخلاق کانتی، نظیر اصل جهان‌شمولی، اراده نیک و انسان به مثابه غایت؛ به صورت نظام‌مند صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با ارائه چارچوبی تحلیلی و تطبیقی، نسبت میان عقل عملی، مسئولیت اخلاقی و تکلیف را در دو نظام اخلاقی مهدوی و کانتی بازخوانی و تحلیل کند.

۳. بیان مسئله

در اندیشه مهدوی شیعی، «انتظار» نه صرفاً حالتی روان‌شناختی یا امیدی تاریخی به ظهور موعود، بلکه نحوه‌ای از بودن اخلاقی در جهان معاصر است. منتظر واقعی، انسانی است که تعهد به «اصلاح درون»، «پایداری در برابر ظلم»، «زمینه‌سازی اجتماعی» و «امر به معروف» را در زیست جهان خود متجلی می‌سازد؛ کنشی که درون‌مایه‌ای اخلاقی و دینی دارد و فراتر از صرف اعتقاد به ظهور، در مقام مسئولیت‌پذیری عملی بروز می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۵۰). با این حال، پرسش بنیادین این است که آیا این مسئولیت‌های اخلاقی، صرفاً در چارچوب ایمان و شریعت تبیین‌پذیرند یا می‌توان آن‌ها را در منظری عقلانی و فلسفی نیز صورت‌بندی کرد؟

در این میان، نظریه اخلاق و وظیفه‌گرایی ایمانوئل کانت، به عنوان یکی از نظام‌مندترین و عقل‌گراترین نظریات اخلاقی در فلسفه غرب، ظرفیت قابل توجهی برای تحلیل عقلانی چنین مسئولیت‌هایی دارد. کانت اخلاق را بر پایه عقل عملی استوار می‌سازد و اصول بنیادین آن را در

مفاهیمی چون تکلیف، اراده نیک، اصل جهان شمولی و کرامت ذاتی انسان صورت بندی می کند (Kant, 1997: p. 12-15). از دیدگاه او، فاعل اخلاقی موجودی خودآیین و مختار است که بر اساس حکم عقل به اجرای وظیفه می پردازد، حتی اگر پیامد ظاهری آن خوشایند نباشد.

مطالعه تطبیقی میان وظایف اخلاقی منتظر در عصر غیبت و اصول نظریه کانتی، نه تنها امکانی برای بازاندیشی در ظرفیت های عقلانی اخلاق مهدوی فراهم می سازد، بلکه زمینه فهمی نو از انتظار را به مثابه کنشی اخلاقی در نسبت با فلسفه اخلاق جدید مهیا می کند. پرسش اساسی این پژوهش از همین جنبه آغاز می شود که مسئولیت اخلاقی منتظر در فرهنگ انتظار شیعی، دارای چه مؤلفه هایی است و چگونه می توان آن را در چارچوب عقل عملی و اصول بنیادین اخلاق کانتی، مانند اصل جهان شمولی و کرامت ذاتی انسان تفسیر کرد؟ همچنین این پژوهش می کوشد، روشن سازد که چه وجوه هم پوشانی و تمایزی میان اخلاق وحی محور انتظار و اخلاق عقل محور کانتی در باب تکلیف اخلاقی وجود دارد و آیا می توان از رهگذر این مقایسه، درکی عقلانی از تکالیف منتظر در عصر غیبت به دست داد که با آموزه های دینی سازگار باشد و در عین حال در گفت و گویی فلسفی با نظریات اخلاقی معاصر قرار گیرد؟

۴. مفهوم شناسی

۴-۱. **مهدویت:** «مهدویت» از واژه «مهدی» (به معنای هدایت شده) گرفته شده و به تمام مفاهیم مرتبط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ع علیهم السلام مهدی را به عنوان دوازدهمین امام و حجت خدا معرفی کرده اند و نام او به دلیل هدایت مردم در امور پنهان انتخاب شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ص ۳۵۳ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۶۱-۱۶۵).

۴-۲. **عصر غیبت:** «غیبت» به معنای پنهان بودن امام از دید عموم است؛ اما هدایت او همچنان ادامه دارد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای دو مرحله غیبت است: کوتاه مدت (صغری) و طولانی مدت (کبری) (طباطبایی، ۱۴۰۳: ص ۱۷۷-۱۸۰ و مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۲، ص ۹۱-۹۵). غیبت به معنای نبودن یا نبودن نیست، بلکه عدم دسترسی آسان است.

۴-۳. **مسئولیت اخلاقی:** «مسئولیت اخلاقی» به التزام آگاهانه و داوطلبانه فرد به اجرای وظایف اخلاقی با تشخیص عقلانی و پذیرش آزادانه تکلیف اشاره دارد و آن، داشتن الزام اخلاقی



و شرایط شایستگی برای ستایش یا سرزنش را شامل است (Klein, 2005: p. 52).
(Eshleman, 2009: p. 15-18)

۴-۴. اخلاق کانتی و کنش درست: اخلاق کانتی «کنش درست» را عملی می‌داند که صرفاً از سر وظیفه و احترام به قانون عقلانی انجام شود، مستقل از تمایلات یا پیامدهای بیرونی و اصول بنیادین آن اراده نیک، جهان‌شمولی و کرامت ذاتی انسان را شامل می‌گردد (Kant, 1785/1997: p. 11-13 & 37-38).

۵. مبانی نظری مهدویت و مسئولیت اخلاقی در عصر غیبت

در این قسمت از مقاله به مبانی نظری مهدویت و مسئولیت اخلاقی در عصر غیبت، خواهیم پرداخت:

۵-۱. چستی انتظار در اندیشه شیعی: از مفهوم تا فلسفه عمل

مفهوم «انتظار» در گفتمان شیعی، از حالتی روانی یا امیدواری فردی به آینده‌ای مبهم فراتر است. انتظار به معنای دقیق آن، نوعی ایمان فعال و عمل‌گرایانه به تحقق عدالت نهایی در تاریخ بشر است که بر اساس وعده الهی، با ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وقوع خواهد پیوست. در این منظر، انتظار نه کنش تعلیقی، بلکه برنامه‌ای راهبردی برای شکل‌دهی به زیست اخلاقی مؤمنانه در وضعیت غیبت است. به تعبیر استاد مطهری، انتظار موعود، تنها نوعی آرزو نیست، بلکه جهت‌گیری آگاهانه به سوی اصلاح‌گری و زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی است (مطهری، ۱۳۸۷: ص ۵۳). در همین زمینه، باید توجه داشت که واژه «منتظر» در روایات اهل بیت علیهم‌السلام با تعبیری چون «افضل اعمال» (برترین اعمال) معرفی شده است؛ نه از آن رو که منتظر بودن نوعی احساس مثبت است، بلکه از آن رو که حاوی بار سنگینی است از تکلیف، آمادگی، پایبندی به اخلاق و تعهد اجتماعی (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۸۶). انتظار در معنای اصیل شیعی خود حامل چند مؤلفه بنیادین است:

- **آینده‌باوری اخلاق‌مدار:** منتظر واقعی به آینده‌ای باور دارد که در آن، عدالت، حقیقت، اخلاق و توحید بر سراسر جهان حاکم خواهد شد. این باور نه احساسی



بی‌ریشه، بلکه بر وعده‌های مکرر قرآنی، مانند آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و روایات متواتر مهدوی (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۱، ص ۱۳۶) مبتنی است.

- **امید مسئولانه:** انتظار نه امیدی سطحی و فرار از مسئولیت، بلکه نوعی نگرش امیدوارانه به همراه برنامه‌ریزی برای اصلاح وضعیت موجود است.
- **التزام اخلاقی در زمان غیبت:** انتظار به معنای مسئولیت‌پذیری اخلاقی در جهان ناقص و آلوده به ظلم است. به بیان دیگر، مؤمن منتظر، جهان را به مثابه عرصه «آزمایش التزام اخلاقی در غیاب ظهور نهایی» تلقی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۲۸۹). در واقع، انتظار در دیدگاه شیعی، با فلسفه تاریخ و انسان‌شناسی اخلاقی دارای پیوند وثیقی است؛ بدین معنا که خداوند، بشر را در مسیری هدایت می‌کند که به بلوغ اخلاقی و اجتماعی برسد و در این مسیر، منتظر، هم با عمل فردی اخلاقی و هم با پروژه‌های اجتماعی فضیلت‌محور در تحقق این مسیر، نقش ایفا می‌کند.

۲-۵. وظایف فردی و اجتماعی منتظر: از اخلاق درونی تا کنش اجتماعی

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت انتظار در سنت شیعی صرفاً حالتی ذهنی یا معرفتی نیست، بلکه الگویی عملی و سبک زندگی اخلاقی اجتماعی است که در دو سطح عمده شکل می‌گیرد: وظایف فردی و وظایف اجتماعی.

الف) مسئولیت فردی: خودسازی اخلاقی به مثابه جهاد منتظرانه

امامان شیعه تأکید دارند که مهم‌ترین وظیفه منتظر، تهذیب نفس، پالایش قلب و تربیت اخلاقی درونی است. منتظر در عصر غیبت باید خود را آماده کند تا نه تنها در برابر فتنه‌های آخرازمان مقاوم باشد، بلکه به عنوان یار، شایسته حضور در سپاه قائم باشد که با ظهور، جهان را اصلاح می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید اهل تقوا و حسن خلق باشد و در حال انتظار، به این سیره زندگی کند» (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۲، ص ۲۹۹). در این بیان، اخلاق فردی منتظر، نه تعلیق در کنش، بلکه آمادگی مداوم برای کنش صالح و مسئولانه است. منتظر در زندگی روزمره خود به دنبال صداقت، عدالت‌خواهی، خویشترداری، زهد، رعایت حق الناس و رشد فضایل نفسانی است. خودسازی اخلاقی در عصر غیبت، به دلیل



نبود حضور ظاهری حجت‌الاهی، جنبه مضاعف می‌یابد؛ زیرا انسان در چنین وضعیتی، باید با بهره‌گیری از عقل وجدان و تعالیم دینی، «در خلأ قدرت الاهی مشهود»، به اخلاق متعهد بماند. این، یعنی اخلاق در عصر غیبت، نه از ترس یا ریا، بلکه بر مبنای ایمان و صداقت نیت معنا می‌یابد.

ب) مسئولیت اجتماعی: اصلاح‌گری، عدالت‌طلبی و مسئولیت تاریخی

نکته قابل توجه آن است که وظایف اجتماعی مؤمن در عصر غیبت، از مباحث محل اختلاف در اندیشه مهدوی است. برخی قرائت‌ها، به‌ویژه جریان‌هایی چون انجمن حجتیه و شماری از اخباریان، هرگونه اقدام سیاسی-حکومتی قبل از ظهور را ناروا می‌دانند و انتظار را به «صبر منفعلانه» تفسیر می‌کنند. در مقابل، روایات متعدد و نیز تحلیل اندیشمندانی چون اما خمینی رحمته‌الله علیه، رهبر معظم انقلاب، شهید مطهری، علامه طباطبایی و سیدمحمدباقر صدر، بر نقش فعال، اصلاح‌گر و عدالت‌محور منتظران تأکید دارند. این مقاله با پذیرش قرائت اخیر، «مسئولیت اجتماعی در عصر غیبت» را به عنوان مبنای نظری پذیرفته شده در تحلیل خود در نظر می‌گیرد. از دیدگاه شیعه، انسان منتظر نباید در برابر آسیب‌های اجتماعی، فقر، تبعیض، فساد و ظلم بی‌تفاوت باشد. روایات تأکید دارند که مؤمن در عصر غیبت باید نقش فعالی در زمینه‌سازی برای ظهور ایفا کند؛ زمینه‌سازی که نه از طریق خشونت یا انقلاب سطحی، بلکه از مسیر «گسترش فرهنگ فضیلت، عدالت و آگاهی» ممکن می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بزرگ‌ترین عبادت در زمان غیبت، انتظار فرج است» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۸۶)؛ اما این «عبادت»، صرفاً دعا نیست، بلکه کنشی است که بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید دارد.

بر همین مبنا وظایف اجتماعی منتظران موارد زیر را شامل می‌شود:

- آموزش و ترویج معارف مهدوی و مفاهیم عدالت‌محور؛
- مقابله با فساد اخلاقی، سیاسی و اقتصادی؛
- مشارکت فعال در اصلاح جامعه و دفاع از مظلومان؛
- ایفای نقش در تولید علم، پیشرفت اجتماعی و استقلال فرهنگی؛
- همکاری در ساختارهای مشروع برای اداره عادلانه جامعه.

در واقع، منتظر باید در هر موضع اجتماعی خود (معلم، پزشک، مدیر، دانشجو، مادر و...)

تجلی‌یی از اخلاق عصر ظهور باشد و زندگی او «پیش‌نمونه‌ای از جامعه مهدوی» تلقی گردد.

۳-۵. نگاه ارزشی و اخلاق مدار به دوران غیبت: عصر آزمون و تعهد

دوران غیبت، از زاویه معرفتی و اخلاقی، نه دوران تعطیلی ارزش‌ها، بلکه زمان تثبیت و تعمیق التزام اخلاقی در غیاب امام معصوم است. در این عصر، حجت باطنی، یعنی عقل و فطرت، در کنار قرآن و سنت، ابزارهایی هستند که انسان را به سوی زیست اخلاقی راهنمایی می‌کنند. علامه طباطبایی در المیزان توضیح می‌دهد که غیبت، مرحله‌ای است که انسان‌ها در آن می‌آموزند چگونه در غیاب هدایت مستقیم، از طریق معرفت فطری و تعلیم وحیانی به سمت خیر و فضیلت حرکت کنند (طباطبایی، ۱۴۰۳: ج ۴، ص ۵۸).

در این نگرش، دو ویژگی برای دوران غیبت قابل ذکر است:

۱. تکلیف محوری اخلاقی در وضعیت عدم قطعیت: انسان منتظر در شرایط غیبت باید بتواند میان حق و باطل، خیر و شر و وظیفه و ترک آن تمایز قائل شود؛ حتی در اوضاعی که فشارهای اجتماعی، شبهات معرفتی و نبود مرجع حضوری، این تشخیص را دشوار می‌کند.

۲. آزمون پایبندی اخلاقی در خلأ نظارت ظاهری: همان‌گونه که امام سجاد علیه السلام در حدیثی اشاره می‌فرماید، «منتظر واقعی کسی است که در نبود ما، همچون حضور ما عمل کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۱، ص ۱۴۵). این، یعنی اخلاق منتظرانه در دوران غیبت، عالی‌ترین مرتبه اخلاص و خودانگیختگی اخلاقی است.

از این دیدگاه، غیبت عرصه تربیت اخلاقی تمدنی است که در آن، منتظران واقعی به عنوان هسته‌های تمدن مهدوی در آینده، از هم اکنون با پایبندی به اصول اخلاقی، در حال ساخت زیربنای ظهورند.

۶. مبانی نظری اخلاق کانتی و کنش درست

اخلاق ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م)، یکی از نظام‌های بنیادین اخلاق و وظیفه‌گرا^۱ است که

1. Deontological ethics

به شکل خاصی بر عقلانیت، خود آیینی و احترام به قانون اخلاقی تأکید دارد. در این نظریه، داوری اخلاقی نه بر اساس پیامدهای کنش، بلکه بر اساس قابلیت تعمیم عقلانی آن کنش و احترام به انسان، به مثابه غایت انجام می‌شود. از این منظر، «کنش درست» کنشی است که از سر وظیفه و به دلیل احترام به قانون اخلاقی، انجام می‌گیرد؛ نه از میل، ترس یا سود شخصی. نظریه اخلاقی ایمانوئل کانت یکی از نظام‌های سرسختانه وظیفه‌گرا در تاریخ فلسفه اخلاق است که نه تنها نقش عقل را در تعیین خوبی و بدی کنش‌ها محوری می‌داند، بلکه مفهوم «کنش درست» را در پرتو معیارهای کاملاً عقلانی و جهان شمول تعریف می‌کند. در این نظریه، اراده نیک، اصل جهان شمولی و کرامت ذاتی انسان به مثابه اصول بنیادین، مبنای تحلیل اخلاقی اند. کانت در واکنش به اخلاق نتیجه‌گرا و مبتنی بر پیامدها (مانند فایده‌گرایی بنتام و میل)، نظریه‌ای بنا نهاد که در آن، ارزش اخلاقی به نیت و وظیفه وابسته است، نه به نتیجه.

۱-۶. بنیادهای اخلاقی کانت: عقل، تکلیف و کرامت انسانی

فلسفه اخلاق ایمانوئل کانت، بر پایه عقل عملی و در چارچوب اخلاقی وظیفه محور بنا شده است. کانت معتقد است که اخلاق نه از تمایلات، نتایج، یا عرف، بلکه از قانونی جهان شمول که عقل به خود می‌دهد سر چشمه می‌گیرد (Kant, 1785/1997: p. 13). در نظام اخلاقی کانت، ارزش هر عمل نه در پیامد آن، بلکه در انگیزه اخلاقی عامل و تبعیت از اصل تکلیف نهفته است. به عبارت دیگر، فردی که بر مبنای وظیفه و با احترام به قانون اخلاقی عمل می‌کند واجد کردار اخلاقی است؛ حتی اگر نتیجه عمل او به ظاهر نامطلوب باشد. سه اصل بنیادین در اخلاق کانتی عبارتند از:

الف) قانون عام اخلاقی (فرمان نخست قاعده اخلاقی):

«چنان عمل کن که گویا قاعده کردار تو بتواند قانونی عام برای همه باشد» (Kant, 1785/1997: p. 31). این اصل، دعوت به جهان شمولی اخلاق و کنار گذاشتن منافع فردی است. عمل اخلاقی باید چنان باشد که بتوان خواست همه چنین کنند، بی‌آنکه تناقضی در قصد و نتیجه ایجاد شود.

ب) اصل کرامت ذاتی انسان:

همواره با انسان، چه در وجود خود و چه در وجود دیگری، چنان رفتار کن که او را هرگز تنها وسیله‌ای برای اهداف خود قرار ندهی، بلکه همیشه او را غایتی در خود بدانی (همان: ص ۳۶). در این اصل، انسان به دلیل عقلانیت و آزادی، شأن و کرامت ذاتی دارد که او را از سایر موجودات متمایز می‌سازد. در نتیجه، هر کنشی که انسان را صرفاً به مثابه ابزار بنگرد؛ غیر اخلاقی است.

ج) خودآیینی عقل عملی:

عقل عملی، انسانی قادر است برای خویش قانون‌گذار باشد و در تبعیت از آن، ارزش اخلاقی پدید آورد. این ایده، پایه‌ای برای اخلاق خود بنیاد و مستقل از دین و نتیجه در فلسفه کانت است. در اخلاق کانتی، خیر نهایی، نیت خیر است، نه پیامد یا احساس. کانت می‌نویسد: «هیچ چیز به جز نیت خیر نمی‌تواند بی‌قید و شرط خوب باشد» (همان: ص ۱۰). این نگرش، هرگونه اخلاق نتیجه‌گرا یا میل محور را کنار می‌نهد و بر صداقت در نیت و وفاداری به تکلیف تأکید می‌کند.

۲-۶. اخلاق کانتی و مسئولیت در شرایط فقدان نظارت بیرونی

ویژگی بارز نظریه اخلاقی کانت آن است که بر خود بنیادی اخلاق و پایبندی به قانون اخلاقی صرف نظر از حضور ناظر بیرونی تأکید دارد. فرد کانتی، حتی در تنهایی و غیاب نظارت، به اخلاق ملتزم می‌ماند؛ زیرا پیروی از وظیفه، عین احترام به خویشتن عقلانی است. در واقع، اخلاق کانت به دلیل تأکید بر:

- التزام درونی به وظیفه؛
- مقاومت در برابر میل‌های شخصی؛
- احترام به قانون عقلانی به مثابه امر اخلاقی؛

زمینه‌ای مناسب برای بررسی اخلاق منتظرانه در عصر غیبت فراهم می‌سازد؛ عصری که در آن، حجت ظاهری خداوند غایب است؛ اما وظایف اخلاقی و مسئولیت‌های دینی همچنان برقرارند. کانت می‌نویسد: «اخلاق، درباره چیزی است که باید انجام شود، حتی اگر هیچ ناظر و پاداش دهنده‌ای وجود نداشته باشد» (Kant, 1797/1991: p. 154). در این چارچوب، اخلاق



به مثابه وفاداری به قانون عقلانی در درون خویشتن، نه وابسته به ثواب و عقاب، بلکه برخاسته از احترام به عقل و شأن انسانی است.

۳-۶. اراده نیک: خیر مطلق اخلاقی

نقطه آغاز اخلاق کانت، تأکید او بر «اراده نیک» است؛ یگانه چیزی که از نظر او «به خودی خود» و «بدون هیچ قید و شرطی» خیر به شمار می‌آید. کانت تصریح می‌کند که «هیچ چیز را نمی‌توان بدون شرط خیر دانست، مگر اراده نیک را» (Kant, 1997: p. 10). اراده نیک، اراده‌ای است که تنها از سر تکلیف و در تبعیت از قانون عقل عملی عمل می‌کند، نه بر اساس تمایلات، نتایج مورد انتظار، یا انگیزه‌های سودگرایانه. به همین دلیل، در اخلاق کانتی نیت اخلاقی از پیامد عمل مهم‌تر است. استعدادهایی چون هوش، شجاعت یا حتی فضایل اخلاقی همچون صداقت، تنها زمانی خیر واقعی‌اند که در خدمت اراده نیک قرار گیرند؛ و گرنه ممکن است به سرچشمه شر تبدیل شوند (Kant, 1785/1997: p. 10).

در این چارچوب، انسان اخلاقی کسی است که به خاطر احترام به قانون اخلاقی که عقل برای او می‌نهد؛ رفتار می‌کند؛ حتی اگر عمل او هیچ نتیجه‌ای به سود خود یا دیگران نداشته باشد. اخلاق، نزد کانت، یعنی وفاداری به قانون عقلانی درونی؛ نه تبعیت از پیامدهای مطلوب یا بازدارنده.

۴-۶. اصل جهان‌شمولی: معیار سنجش اخلاقی بودن کنش

یکی از پایه‌های اصلی اخلاق کانتی، اصل «جهان‌شمولی»^۱ است که نخستین صورت‌بندی از امر مطلق^۲ را تشکیل می‌دهد: «چنان عمل کن که قاعده کردار تو بتواند هم‌زمان قانونی جهان‌شمول شود» (Kant, 1785/1997: p. 31).

این اصل در پی آن است که فرد تنها زمانی می‌تواند یک قاعده یا انگیزه اخلاقی را بپذیرد که بتواند تصور کند همه انسان‌ها در موقعیت مشابه نیز به آن عمل می‌کنند، بدون این که به تناقض منجر شود. این اصل معیار عقلانی مهمی را برای سنجش درستی اخلاقی کنش‌ها ارائه

1. Universalizability Principle
2. Categorical Imperative

می‌کند: اگر بتوان خواست که دیگران نیز در همان موقعیت، طبق همان اصل عمل کنند، آن کنش اخلاقی است؛ در غیر این صورت، کنش فاقد ارزش اخلاقی است. این اصل، از نظر منطقی، کنش‌هایی را که حاوی تناقض‌اند (مثلاً دروغ گفتن برای منفعت شخصی) حذف می‌کند؛ زیرا در صورت تعمیم، خود قانون کنش بی‌معنا می‌شود (برای نمونه، اگر همه دروغ بگویند، مفهوم «قول» بی‌معنا می‌شود).

در واقع، اصل جهان‌شمولی، کنش‌هایی را که قابل تعمیم عقلانی نیستند، غیراخلاقی می‌داند. این اصل معیاری روشن و دقیق برای نقد نسبی‌گرایی اخلاقی و خودمحوری در تصمیم‌گیری‌های فردی فراهم می‌سازد.

بنابراین، معیار عقلانی جهان‌شمولی، هم ابزار نقد کنش‌های غیراخلاقی و هم شیوه عینی ارزیابی اخلاقی ارائه می‌کند؛ بدون نیاز به نتیجه یا پیامد.

۵-۶. انسان به‌مثابه غایت: اصل کرامت ذاتی

دومین صورت‌بندی مهم از امر مطلق، به جایگاه انسان ناظر است: «چنان عمل کن که همواره انسان را، چه در شخص خود و چه در شخص دیگری، نه فقط به‌مثابه وسیله، بلکه همواره نیز به‌مثابه غایتی فی‌نفسه در نظر بگیری» (همان، ص ۳۶). در این اصل، کانت بنیان اخلاقی را بر کرامت انسانی استوار می‌کند. چون انسان موجودی خردمند، خودآیین و دارای عقل عملی است؛ دارای ارزش ذاتی و کرامت است و نباید ابزار رسیدن به اهداف دیگران یا حتی اهداف شخصی قرار گیرد. در واقع، احترام به انسان مساوی است با احترام به قانون عقلانی که در او تجلی یافته است. از نظر کانت، انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند؛ زیرا توانایی تعقل و تعیین قانون اخلاقی برای خود را دارند. این اصل به این نکته ناظر است که هیچ‌کس نباید به‌مثابه ابزار یا وسیله‌ای برای رسیدن به هدف دیگری؛ حتی اگر آن هدف خوب باشد، به کار گرفته شود. برای مثال، نمی‌توان یک انسان را فدای خوشبختی اکثریت کرد؛ حتی اگر فایده‌گرایی، آن را تجویز کند. پیامد مهم این اصل آن است که هیچ کنش اخلاقی نمی‌تواند دیگران را ابزاری برای سود شخصی قرار دهد، حتی اگر هدف مطلوب به نظر برسد. از این منظر، اخلاق کانتی با رویکردهایی مانند فایده‌گرایی که گاه منافع جمعی را بر حقوق فردی ترجیح می‌دهند، به‌شدت در تقابل قرار



می‌گیرد. این اصل، زیربنای مفاهیمی است همچون حقوق بشر، خودمختاری فردی، حرمت نفس و عدالت در عصر مدرن و به‌شدت با نگرش‌های ابزارانگارانه نسبت به انسان در تعارض است.

۶-۶. نسبت عقل عملی با مسئولیت اخلاقی

در دستگاه فلسفی کانت، «عقل عملی»^۱ منشأ هر نوع الزام اخلاقی است. برخلاف «عقل نظری» که به کشف قوانین طبیعت می‌پردازد، عقل عملی وظیفه دارد قوانینی برای اراده آزاد انسان وضع کند. این قوانین، جهانی، ضروری و غیر وابسته به تجربه‌اند. از دیدگاه کانت، مسئولیت اخلاقی دقیقاً از اینجا ناشی می‌شود که انسان می‌تواند آزادانه از عقل خود پیروی کند و قانون را در درون خویش بپذیرد: «آزادی و قانون‌گذاری اخلاقی، دو روی یک سکه‌اند» (Kant, 1997: p. 45). یعنی هر کس که به واسطه عقل عملی به فهم قانون اخلاقی قادر باشد، مسئول پیروی از آن نیز می‌باشد. مسئولیت اخلاقی در اینجا نه نتیجه ترس از مجازات یا انتظار پاداش، بلکه ناشی از توانایی و خودآگاهی فرد در پیروی از عقل خویش است. بنابراین، هر فرد بالغ و عاقل، در برابر همه کنش‌هایش اخلاقاً پاسخ‌گو است؛ حتی اگر هیچ ناظر بیرونی وجود نداشته باشد. در فلسفه کانت، عقل عملی سرچشمه اصول اخلاقی و نیز معیار مسئولیت اخلاقی است. انسان، با داشتن عقل عملی، می‌تواند خود برای خود قانون وضع کند؛ بدین معنا که منبع الزام اخلاقی نه خدا و نه جامعه، بلکه عقل خودآیین انسان است. به همین دلیل است که کانت انسان را به مثابه قانون‌گذار در یک پادشاهی غایات اخلاقی وصف می‌کند (Kant, 1785/1997: p. 39).

مسئولیت اخلاقی در این چارچوب نه بر مبنای نتایج قابل مشاهده، بلکه بر پایه قابلیت عقلانی فرد در شناخت قانون اخلاقی و تبعیت از آن است. اگر کسی به اندازه کافی از عقل برخوردار باشد تا حکم یک اصل اخلاقی را بفهمد، پس مسئول رفتار خود نیز می‌باشد؛ حتی اگر انتخاب کند که از آن سرپیچی ورزد. از این منظر، عقل عملی دو نقش اساسی دارد:

۱. قانون‌گذاری اخلاقی (تشخیص درست از نادرست بر مبنای اصول جهان‌شمول)؛
۲. بنیان الزام اخلاقی (پذیرش مسئولیت به دلیل توانایی در پیروی آگاهانه از قانون).

1. practical reason

این پیوند میان عقل عملی و مسئولیت اخلاقی، شاه‌کلید فهم رابطه فلسفه اخلاق کانت با «انتظار» در اندیشه شیعی است، که در آن نیز وفاداری به تعهدات اخلاقی، حتی در غیاب نظارت بیرونی (یعنی غیبت امام)، معنای محوری دارد.

۶-۷. نقد و کاربرد: اخلاق کانتی در وضعیت‌های بی‌تکیه‌گاه

نظریه کانت درباره کنش درست، پاسخی به وضعیتی است که در آن، انسان دیگر نمی‌تواند به مرجعیت بیرونی یا پیامدهای محسوس رفتار خود تکیه کند. در چنین وضعیتی‌هایی (که می‌توان آن‌ها را به‌گونه‌ای با وضعیت عصر غیبت در شیعه مقایسه کرد)؛ فرد باید:

- مستقل از نتایج، به اخلاق وفادار بماند؛
- خود را نه تابع هیجانات، بلکه پیرو عقل عملی بداند؛
- در خلأ اقتدار بیرونی، مسئولیت اخلاقی خویش را ایفا کند.

بنابراین، مبانی نظری اخلاق کانتی، با تأکید بر اراده نیک، اصل جهان‌شمولی، کرامت ذاتی انسان و نقش عقل عملی، الگویی سخت‌گیرانه و عقل‌گرایانه از «کنش درست» ارائه می‌کند. این الگو به‌ویژه در زمینه‌هایی که اخلاق مستقل از نظارت بیرونی و تحت فرمان عقل درونی باید عمل کند (مانند عصر غیبت در الاهیات شیعی)، بسیار سودمند و قابل تطبیق است. کانت در عصر روشنگری، نوعی «خودبستگی عقل اخلاقی» را پیشنهاد می‌کند که هنوز در مباحث مسئولیت فردی، عدالت و حقوق بشر نقش راهبردی ایفا می‌کند. این رویکرد دقیقاً با فلسفه انتظار در شیعه در نقطه‌ای کلیدی تلاقی می‌یابد. هر دو از انسان می‌خواهند که در شرایط غیاب اقتدار نهایی (چه امام معصوم باشد، چه خداوند در فلسفه غیر دینی)؛ به مسئولیت اخلاقی پایبند بماند. در بخش بعدی، به سراغ پیوند میان اخلاق کانتی و اخلاق منتظرانه مورد بحث قرار می‌گیرد تا روشن شود که اخلاق وظیفه‌گرا چگونه می‌تواند در تبیین اخلاق عصر غیبت برای فاقدان باور به غیب، کارآمد باشد.



۷. تحلیل تطبیقی نظریه انتظار در اندیشه شیعی و اخلاق کانتی با تمرکز بر مسئولیت اخلاقی

در عصر غیبت

این تحلیل، سه قسمت را شامل خواهد بود:

۷-۱. تحلیل تطبیقی تفصیلی

الف) مبنا

اندیشه شیعی درباره انتظار، عقل را در کنار وحی، به عنوان منبع تشخیص تکلیف می‌پذیرد. عقل در شیعه، نه صرفاً عقل خودبنیاد، بلکه عقلی هدایت‌شده است که با آموزه‌های قرآن، سنت و امامت تکمیل می‌شود. در عصر غیبت، این عقل نقشی تعیین‌کننده در تشخیص وظایف اخلاقی و اجتماعی منتظر دارد (واعظی، ۱۳۹۳: ص ۲۲۸). عقل فقهی و اخلاقی در کنار آموزه‌های روایی، چون «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ اِنتِظَارُ الْفَرَجِ» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۲۰۷)، بنیان مسئولیت‌پذیری را شکل می‌دهند. در مقابل، اخلاق کانتی بر عقل عملی استوار است. کانت بر این باور است که انسان به واسطه عقل خود قادر است اصول اخلاقی را استخراج کند، بدون نیاز به وحی یا سنت. عقل عملی در مقام قانون‌گذار اخلاق عمل و وظیفه اخلاقی را صادر می‌کند (Kant, 1997: p. 29). در این دستگاه، اخلاق ذاتاً سکولار است؛ اما خصلت الزام‌آور دارد؛ چرا که از درون عقل صادر می‌شود.

ب) عقلانیت عملی و مسئولیت در عصر غیبت

در منظومه مهدوی شیعه، با وجود غیبت امام معصوم، انسان منتظر موظف است با اتکا بر عقل وجدان و شریعت به وظایف فردی و اجتماعی خود عمل کند. در روایات شیعی آمده است: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ... فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ص ۱۳۱).^۱ این گزاره

۱. امام عسکری علیه السلام. بعد از تقبیح تقلید عوام یهود از علمای فاسقشان فرمودند: اگر [مسلمانان] از چنین فقهایی تقلید کنند، مانند همان یهودیانی هستند که خداوند آنان را به سبب تقلید و پیروی از فقهایی فاسق و بدکارشان نکوهش کرده است؛ اما هر فقیه‌ای که خویش‌نشان دار و نگاهبان دین خود باشد و با هوای نفسش بستیزد و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند و البته این ویژگی‌ها را تنها برخی فقهایی شیعه دارا هستند، نه همه آن‌ها.

نشان می‌دهد که در دوران غیبت، مسئولیت اخلاقی و دینی از بین نمی‌رود، بلکه به واسطه عقل و اجتهاد تداوم می‌یابد؛ همان‌طور که در اخلاق کانتی، نبود ناظر بیرونی یا پیامد ملموس، اصل مسئولیت اخلاقی را زایل نمی‌کند. نظریه اخلاق کانت بر پایه عقل عملی به مثابه منشأ الزام اخلاقی استوار است. این عقل، قانونی برای کنش صادر می‌کند که از تمایلات فردی مستقل است و جهانی اعتبار دارد. از این منظر، هر دو دستگاه فکری (شیعی و کانتی) بر عقلانیت اخلاقی مستقل از مشاهده‌پذیری بیرونی تأکید می‌کنند.

بنابراین، اگرچه کانت بر عقل خودبنیاد و شیعه بر عقل هدایت‌شده تأکید دارد، هر دو رویکرد «عقل» را عنصر اساسی در اخلاق می‌دانند.

ج) معیار

در اندیشه انتظار شیعی، معیار اخلاق، رضایت خداوند و آمادگی برای تحقق عدالت مهدوی است. کنش اخلاقی، زمانی اصالت دارد که در مسیر تحقق حکومت عدل جهانی و نجات مظلومان باشد. به بیان دیگر، منتظر واقعی باید خود را مقیاس ظهور بداند و بر اساس «هَلْ لَخُنُّ مُوْطِنُونَ لِيُظْهِرُوا لَكُ؟»^۱ به داوری کنش خود بنگرد (واسطی، ۱۴۰۱: ص ۸۷). در اخلاق کانتی، معیار رفتار درست، دو اصل است: ۱. اصل جهان‌شمولی که می‌گوید کنش اخلاقی باید به گونه‌ای باشد که بتوان آن را قانونی عمومی کرد؛ ۲. اصل انسان به مثابه غایت که نباید هیچ انسانی را صرفاً وسیله‌ای برای اهداف خود بدانیم (Kant, 1997: p. 36). این معیارها از درون عقل استخراج می‌شوند. پس معیار در هر دو نظام، از خودخواهی و مصلحت‌گرایی فراتر است؛ در کانت با تکیه بر قانون عقلانی، در شیعه با اتکا بر اهداف الهی و مأموریت عدالت‌گستر.

د) فاعل اخلاقی

در اندیشه شیعی انتظار، فاعل اخلاقی، عبد منتظر است؛ انسانی که هم به عقل ورزی مأمور است و هم به وحی و آموزه‌های امامان ملتزم. در عصر غیبت، انسان باید بدون حضور عینی امام، خود را نماینده اخلاق علوی بداند و بر مبنای ایمان و تقوا، کنش‌های خود را سامان دهد. او

۱. آیا ما فراهم‌کنندگان مقدمات ظهور تو هستیم؟



مسئول است؛ ولو آن که ظهور در عصر او واقع نشود (کلینی، ۱۴۳۰: ج ۲، ص ۱۴۵). در فلسفه کانت، فاعل اخلاقی انسانی است که از خود آیینی برخوردار است؛ یعنی او خود قانون‌گذار و در عین حال تابع قانون اخلاقی است. این فاعل در برابر عقل خود مسئول است و باید بتواند دلایل اخلاقی کنش‌های خود را توضیح دهد (O'Neill, 1989: p. 55). در هر دو دیدگاه، فاعل اخلاقی باید «درونی» و مسئول باشد؛ اما در شیعه، فاعل، هم عبد است و هم عقل‌ورز.

ه) کرامت انسان

در اندیشه مهدوی، انسان تنها در پرتو عزت و کرامت ذاتی خویش، شایسته جامعه مهدوی می‌شود. در اندیشه شیعی، کرامت انسان بر بنیاد خلافت الهی او استوار است. در قرآن آمده است: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...﴾ (اسراء: ۷۰) در احادیث نیز، کسی که منتظر واقعی باشد، باید انسان‌ها را عزیز بداند، از ظلم به آنان بپرهیزد و خود را در خدمت عدالت قرار دهد، نه در خدمت ابزارسازی از دیگران. منتظر واقعی باید این کرامت را هم در خود حفظ کند و هم در جامعه گسترش دهد. ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، حمایت از محرومان و پرهیز از تحقیر دیگران از جلوه‌های این نگرش کرامت‌مدار است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ذیل آیه). یکی از اصول بنیادین اخلاق کانتی نیز، آن است که انسان غایت است نه ابزار. در مکتب کانت، کرامت انسان ناشی از توانایی عقلانی او در قانون‌گذاری اخلاقی است و چون انسان می‌تواند از عقل خود قانون بسازد، باید به‌عنوان غایت در خود احترام شود (Kant, 1997: p 41). هر دو رویکرد، بر کرامت ذاتی انسان تأکید دارند، هرچند مبنای این کرامت در یکی عقل و در دیگری خلافت الهی است.

و) ماهیت تکلیف

انتظار فرج، نوعی آمادگی دائمی برای تحقق عدالت است و این آمادگی باید در عمل اخلاقی، اصلاح فردی و کنش اجتماعی متبلور شود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ اِنتِظَارُ الْفَرَجِ» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۲۰۷). این روایت تأکید دارد که انتظار، خود یک عمل است و نه صرفاً حالتی ذهنی، این با اخلاق کانتی که «عمل از روی وظیفه» را ارزشمند می‌داند، هماهنگ است. کنش فرد منتظر، باید

۱. «و همانا ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم».

از سود یا احساسات مستقل باشد، بلکه بر وفاداری به قانون باید اخلاقی الهی مبتنی باشد، مشابه «اراده نیک» در نظام کانت. در اخلاق کانتی، تکلیف امری درونی، الزام‌آور و بی‌توجه به پیامد است. انسان موظف است تنها به خاطر احترام به قانون عقلانی و از سر «اراده نیک» عمل کند؛ حتی اگر نتیجه مطلوب حاصل نشود (Kant, 1997, p. 14). کانت اخلاق را بر اساس وظیفه و نه میل یا نتیجه تعریف می‌کند. در عین حال، در سنت شیعی، «انتظار»، نه حالتی منفعلانه، بلکه نوعی وضعیت اخلاقی متعهدانه است. هم در اخلاق کانتی و هم در اخلاق مهدوی، عمل اخلاقی نباید تابع نتیجه باشد، بلکه وفاداری به اصل تکلیف ارزش اصلی است.

ز) اصل جهان‌شمولی و اصلاح‌گری اجتماعی

«اصل جهان‌شمولی» در نظریه کانت، معیار تشخیص اخلاقی بودن کنش است. در همین زمینه، منتظر مهدوی نیز موظف است آنچه را برای جامعه عادلانه و الهی لازم است، در رفتار خود تحقق بخشد؛ یعنی نمی‌تواند بگوید «من نمی‌توانم عدالت را تحقق بخشم چون امام غایب است»؛ بلکه باید بپرسد «اگر همه مانند من عمل کنند، آیا جامعه به سمت ظهور پیش می‌رود؟» اینجا نیز اصل کانتی: «چنان عمل کن که قاعده عملت بتواند قانون جهان‌شمول شود»؛ به روشنی در رفتار منتظر تجلی می‌یابد.

ح) التزام درونی، نه انگیزش بیرونی

نظریه انتظار در اندیشه شیعی، در لایه‌ای عمیق، نوعی اخلاق وظیفه‌گرایی الهی را نمایندگی می‌کند که با مبانی اخلاقی کانت اشتراکاتی معنادار دارد. در دستگاه کانتی، کنش اخلاقی باید بدون وابستگی به پاداش و مجازات انجام شود. کانت به شدت مخالف اخلاق مبتنی بر پیامد است. این معرفت، عامل تعهد درونی و پایبندی مستقل از انگیزش بیرونی است. به زبان کانتی، این همان تبعیت از «امر مطلق» و وفاداری به قانون عقل عملی است.

بنابراین، در این تطبیق انتظار مهدوی و اخلاق کانت، به‌رغم تفاوت در مبانی متافیزیکی، در بسیاری از مؤلفه‌های کلیدی همسو هستند:

- تأکید بر وظیفه‌گرایی غیرپیامدگرا؛
- باور به کرامت ذاتی انسان؛



- مسئولیت‌پذیری در فقدان ناظر بیرونی؛
- اصالت دادن به قانون عقلانی/الاهی به جای تمایلات شخصی.

این مشابهت‌ها می‌توانند مبنای شکل‌گیری الگویی تلفیقی از اخلاق عقل‌گرای دینی برای عصر جدید باشند؛ الگویی که هم مسئولیت‌پذیر، هم خردورز و هم متعهد به عدالت جهانی است. لذا می‌توان از این تقارن‌ها برای تقویت گفتمان عقلانی-الاهی اخلاق انتظار بهره گرفت و نشان داد که منتظر واقعی نه تنها در میدان عبادت، بلکه در صحنه اخلاق فردی و اجتماعی نیز فعال و پاسخ‌گو است.

۲-۷. جدول تطبیقی مؤلفه‌های کلیدی

مؤلفه	نظریه انتظار در اندیشه شیعی	اخلاق کانتی
مبنا	عقل دینی (عقل فطری + وحی و امامت)	عقل عملی خود بنیاد
معیار	رضایت الاهی + آمادگی برای تحقق عدالت جهانی	اصل جهان‌شمولی + احترام به انسان
فاعل اخلاقی	عبد مکلف منتظر (مأمور به تعبد و اصلاح)	سوژه خودآیین
کرامت انسان	فطری، بر اساس خلافت الاهی و استحقاق ظهور	ذاتی، به مثابه غایت و نه وسیله
ماهیت تکلیف	تکلیف شرعی و اخلاقی بر مبنای عقل و شریعت در عصر غیبت	ناشی از عقل عملی و الزام درونی
هدف اخلاق	زمینه‌سازی ظهور با عمل صالح فردی و اجتماعی، حتی بدون تضمین پیامد	وفاداری به قانون عقلانی، بدون ملاحظات پیامدی
نسبت با غیبت	التزام فعال، حتی در فقدان حضور ظاهری امام معصوم	بی‌تأثیر از حضور ناظر بیرونی
غایت رفتار اخلاقی	زمینه‌سازی برای تحقق حکومت عدل الاهی با تقویت روحیه انتظار و	شکوفایی عقل اخلاقی و احترام جهانی به قانون

مؤلفه	نظریه انتظار در اندیشه شیعی	اخلاق کانتی
	عمل مؤمنانه	
کنش درست	عمل به تکلیف، حتی در غیبت امام	کنش بر مبنای وظیفه، نه پیامد
انسان	خلیفه الاهی، دارای کرامت فطری	غایت، دارای کرامت ذاتی
مسئولیت اخلاقی	ناشی از معرفت به امام زمان	ناشی از خودآیینی عقل

۷-۳. جمع بندی:

مطالعه تطبیقی میان اخلاق کانتی و نظریه انتظار در اندیشه شیعی، به رغم تفاوت‌های متافیزیکی و معرفتی آن‌ها، نشان می‌دهد که این دو رویکرد اخلاقی، در برخی مؤلفه‌های بنیادین، با یکدیگر همگرایی‌های معناداری دارند؛ به ویژه در تأکید بر مسئولیت فردی، تقدم تکلیف بر نتیجه، کرامت ذاتی انسان و استقلال اخلاق از ملاحظات سودانگاران. با این حال، در نحوه تبیین و توجیه این اصول تفاوت‌هایی بنیادین نیز وجود دارد که نادیده گرفتن آن‌ها ممکن است به تحریف هر دو منظومه بینجامد.

۷-۳-۱. همگرایی‌ها: امکان تفسیر عقلانی از مفهوم انتظار

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحلیل، امکان تفسیر عقلانی و وظیفه‌محور از آموزه دینی انتظار است. در اندیشه شیعی، «انتظار»، صرفاً حالتی روانی یا آرزوی منفعلانه نیست، بلکه برساخته‌ای عقلانی از مسئولیت اخلاقی در غیاب حجت ظاهر است. فرد منتظر، همچون فاعل اخلاقی کانتی، مکلف است بر اساس التزام درونی به وظایف خود عمل کند؛ حتی بدون تضمین نتایج خارجی. این انتظار، از جنس «اراده نیک» و «تکلیف درونی» است که کانت از آن سخن می‌گوید (Kant, 1997: p. 14).

همچنین مفهوم «اصلاح نفس و جامعه» نزد منتظر، به اصل جهان‌شمولی کانت بی‌شابهت نیست؛ زیرا وی خود را مسئول ساختن جهانی شایسته برای عدالت جهانی می‌داند؛ درست همان‌گونه که کانت از فاعلی می‌گوید که باید به گونه‌ای عمل کند که اگر همه چنان کردند، جهان مطلوبی پدید آید.



۲-۳-۷. تمایزات: بنیاد وحیانی در برابر خودآیینی عقل

با این حال، تفاوتی اساسی میان دو منظومه اخلاقی مورد بررسی وجود دارد و آن، «منشأ الزام اخلاقی» است. در اخلاق کانتی، «عقل خودبنیاد»، منبع نهایی تشخیص و الزام اخلاقی است؛ عقل انسان، خود قانون‌گذار و داور است (O'Neill, 1989: p. 55)؛ اما در اندیشه انتظار، الزام اخلاقی، از ناحیه «وحی و امامت» تعریف می‌شود، گرچه عقل نیز در تشخیص آن یاری‌گر است. بنابراین، اگرچه اخلاق کانتی و اخلاق مهدوی هر دو به مسئولیت و خودکنترلی می‌انجامند؛ فلسفه اخلاقی شیعی، بر اطاعت از امر الهی و حجیت قول معصوم استوار است. منتظر، خود را به تبعیت از سنت معصوم مکلف می‌داند؛ حتی اگر عقل عرفی از آن عاجز باشد.

۳-۳-۷. امکان گفت‌وگوی بین‌فرهنگی: تلاقی اخلاق دینی و مدرن

گفت‌وگوی میان اخلاق مهدوی و اخلاق کانتی را باید از سطح شباهت‌های لفظی فراتر دانست. این گفت‌وگو در واقع امکان نوعی «تعامل مفهومی» را فراهم می‌کند که در آن، هر یک از دو سنت می‌تواند کمبودهای دیگری را جبران کند. نخست، اخلاق کانتی با تأکید بر خودآیینی، غایت‌بودگی انسان و ضرورت عمل بر اساس تکلیف، چارچوبی استدلالی برای دفاع از منزلت اخلاقی انسان فراهم می‌آورد؛ در عین حال، از «افق غایت‌شناختی معنا» تهی است. عمل از سر تکلیف، هرچند از حیث منطقی قابل دفاع است؛ اما در مواجهه با بحران معاصر معنویت - به‌ویژه احساس پوچی اخلاقی و بی‌افقی - توانایی ایجاد تعهد وجودی پایدار را ندارد. در این عرصه، معنویت مهدوی می‌تواند با ارائه چشم‌اندازی از آینده‌باوری، امید تاریخی و مشارکت انسان در تحقق عدالت موعود، به اخلاق کانتی، عمقی‌اگرزیستانسپیل ببخشد. در این چارچوب، انسان نه فقط «فاعل خودآیین»، بلکه «فاعل تاریخ‌مند» تلقی می‌شود که کنش او معنای فراتاریخی پیدا می‌کند. این پیوند میان تکلیف‌گرایی عقلانی و معناجویی الاهیاتی، می‌تواند در پاسخ‌گویی به بحران بی‌معنایی اخلاق معاصر نقش مهمی ایفا کند.

از سوی دیگر، اخلاق مهدوی نیز می‌تواند از سنت کانتی بهره‌مند شود. در برخی قرائت‌های انتظار دینی، خطر فروغلتیدن به تقلیدپذیری، بی‌مسئولیتی، یا استناد به مشیت غیبی برای توجیه انفعال وجود دارد. تأکید کانت بر استقلال فاعل اخلاقی، مسئولیت‌پذیری فردی و ضرورت



استدلال‌پذیری عمل اخلاقی، می‌تواند چرخه اخلاق مهدوی را از وابستگی صرف به امر بیرونی برهاند و آن را به سطحی از «خودآیینی دیندارانه» ارتقا دهد. در نتیجه، انتظار مهدوی از «انتظار منفعلانه»، به «انتظار استدلالی، اخلاقی و مبتنی بر انتخاب آگاهانه» تبدیل می‌شود؛ انتظاری که در آن، عمل اخلاقی نه صرفاً تبعیت از تکلیف دینی، بلکه تعهدی عقلانی-الاهی به آینده تاریخ است.

برآیند این تعامل، شکل‌گیری چارچوبی است که در آن، اخلاق مدرن می‌تواند معنای گم‌شده خود را بازیابد و اخلاق دینی نیز می‌تواند استقلال و استدلال‌محوری بیش‌تری کسب کند. بنابراین، همگرایی میان اخلاق کانتی و اخلاق مهدوی نه بازگویی شباهت‌ها، بلکه ارائه‌الگویی ترکیبی برای اخلاق در جهان معاصر است؛ الگویی که در آن، «خودآیینی»، «کرامت»، «امید»، «مسئولیت تاریخی» و «تکلیف عقلانی»؛ در ساختاری واحد قابل دفاع می‌شوند. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که بحران اخلاقی امروز که میان خودآیینی فردی و نیاز به معنای جمعی در نوسان است؛ تنها در پرتو چنین الگوی دوگان‌های قابل حل است.



نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی انجام شده در این پژوهش نشان داد که آموزه انتظار در اندیشه مهدوی شیعی و اخلاق وظیفه‌گرایی کانت، با وجود تفاوت‌های متافیزیکی و معرفتی، در سطح اخلاق عملی اشتراکات بنیادینی دارند. هر دو بر عقلانیت اخلاقی، مسئولیت فردی و اصالت تکلیف در برابر تمایل و پیامد تأکید می‌کنند. در اخلاق منتظرانه وفاداری به وظیفه الهی و امید فعال به تحقق عدالت نهایی، همان نقشی را ایفا می‌کند که در اخلاق کانتی، اراده نیک و احترام به قانون عقلانی دارد. به علاوه، اصل جهان‌شمولی کانت، هم‌افق با تعهد منتظر، به اصلاح فردی و اجتماعی است؛ زیرا منتظر واقعی نیز می‌کوشد چنان عمل کند که کنش او زمینه‌ساز جهانی عادلانه و شایسته ظهور باشد. همچنین، اصل کرامت ذاتی انسان در فلسفه کانت، با نگرش توحیدی و خلافت‌محور به انسان در مهدویت همخوانی دارد. با این حال، تفاوت بنیادین در مبنای الزام اخلاقی، مانع از یکسان‌انگاری این دو دستگاه می‌شود: در کانت، «عقل خودبنیاد» سرچشمه الزام است؛ اما در مهدویت، «عقل هدایت‌شده و وحی الهی» منبع تشخیص و تکلیف‌اند. از این رو، انتظار مهدوی می‌تواند الگوی تلفیقی از اخلاق عقلانی و الهی ارائه کند که در آن، عقل و ایمان نه در تقابل، بلکه در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند.

در نتیجه، اخلاق منتظرانه در عصر غیبت را می‌توان نوعی «عقلانیت اخلاقی مؤمنانه» دانست که در آن، انسان منتظر همچون فاعل اخلاقی کانتی، حتی در غیاب ناظر بیرونی، به مسئولیت‌های خود پایبند می‌ماند. چنین الگویی می‌تواند برای اخلاق معاصر که به بحران معنا و نسبی‌گرایی گرفتار است، الهام‌بخش باشد و پیوندی میان وظیفه‌گرایی عقلانی و معنویت دینی برقرار سازد.



منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه فی معرفة الأئمة*، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
۳. بهروز محمدی منفرد؛ کااوند، محمد (۱۴۰۳). *نشاط، اخلاق و انتظار موعود*. نشریه مشرق موعود، ۱۸ (۷۳)، ۲۷۰-۲۸۵.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت.
۵. حیدری، فاطمه (۱۴۰۱). *فوائد اخلاقی انتظار مهدی موعود در روایات شیعی*، اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی، بازیابی از <https://civilica.com/doc/1626625>.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود*. قم، نشر اسراء.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۸. ذبیح زاده، علی نقی (۱۳۸۴). *مرجعیت و سیاست در عصر غیبت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. راغب اصفهانی (۱۳۷۵). *مفردات الفاظ القرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۴). *انتظار، بایدها و نبایدها*، تهران، نشر موعود عصر.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم: منصور پهلوان، قم، مسجد جمکران.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۰۳). *شیعه در اسلام*، مصحح: سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبه*، مترجم: مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران.
۱۴. علوی، ریحانه سادات؛ کریمی نیا، محمدمهدی؛ انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). *تحلیلی بر مسأله انتظار و وظایف منتظران در عصر غیبت*، پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۴۴، ۱۲۸-۱۴۳.



۱۵. فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۵ق). **القاموس المحيط**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، مؤسسة الرسالة.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق). **الکافی**، قم، موسسه دارالحدیث العلمیة و الثقافیة.

۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۸. المزی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۳ق). **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، بیروت، مؤسسه الرسالة.

۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). **مجموعه آثار**، تهران، صدرا.

۲۰. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۲). **مکیال المکارم فی فوائد دعاء القائم**، مترجم:

مهدی حائری قزوینی، قم، مسجد مقدس جمکران.

۲۱. موسوی، سیدعلی (۱۳۹۶). **اخلاق منتظر در غیبت امام زمان علیّه**، پژوهش های اخلاقی،

شماره ۲۹.

۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **الغیبة**، قم، مكتبة الصدوق.

۲۳. واعظی، احمد (۱۳۸۴). **جان رالز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی**، قم، بوستان

کتاب.

24. Davies, P. (2009). *Virtue Ethics and Divine Command: Is There a Tension?* Journal of Religious Ethics, 37(3), 373–397.

25. Eshleman, A. (2009). *Moral Responsibility*. In E. N. Zalta (Ed.), Stanford Encyclopedia of Philosophy. Stanford University. Retrieved from <https://plato.stanford.edu>.

26. Kant, I. (1991). *The Metaphysics of Morals* (M. Gregor, Trans.). Cambridge: Cambridge University Press. (Original work published 1797).

27. Kant, I. (1997). *Groundwork of the Metaphysics of Morals* (M. Gregor, Trans.). Cambridge: Cambridge University Press.

28. Lin, S. (2024). A Synthesis of Kantian Ethics and Rousseauvian General Will in Justifying the Moral Ground of Political Laws. Humanities

and Social Sciences Communications, 11, Article 593.

2۹. Mougan, C., & Brand, J. (2023). Kantian Deontology Meets AI Alignment: Towards Morally Grounded Fairness Metrics.

۳۰. O'Neill, O. (1989). *Constructions of Reason: Explorations of Kant's Practical Philosophy*. Cambridge: Cambridge University Press.

3۱. Palmquist, S. R. (2016). Kant's Official Religion within the Boundaries of Bare Reason: Moral Religion and Divine Assistance.

3۲. Reconsidering Virtue: Kant's Moral Religion. (2012). *New Blackfriars*, 93(1047), 544–561.

3۳. Sachedina, A. A. (1981). *Islamic Messianism: The Idea of Mahdi in Twelver Shi'ism*. Albany: SUNY Press.

3۴. Klein, M. (2005). *Responsibility*. In T. Honderich (Ed.) , *Oxford Companion to Philosophy*. Oxford: Oxford University Press.



